



مجمع
التصنيف
العالمية

کودک خداشناس

مقدمه

روش‌های متعددی وجود دارند که می‌توان از آنها، برای معرفی صحیح خداوند و صفات او به کودکان بهره گرفت. در سیره‌ی تربیتی معصومان علیهم‌السلام نیز چهار کلید اصلی دیده می‌شود که عبارت‌اند از: مفروض گرفتن اصل وجود خدا، استفاده از دلایل روشن و قابل فهم، تأکید بر معرفی خدا از راه صفات، ایجاد ارتباط با خدا و حفظ آن که آثاری مانند تقویت، رشد و ارتقای ایمان به خدا و انس با خدا و محبت او را در پی دارد.^۱

۱. بهره‌گیری از داستان‌ها

کودکان الفتی شیرین و باورنکردنی با داستان دارند. برخی از مشکلات بزرگ رفتاری کودکان را می‌توان با طرح داستان تغییر داد یا آمادگی تغییر را در آنها به وجود آورد. همچنین می‌توان از داستان برای انتقال بهتر مفاهیم بهره گرفت؛ شیوه‌ای که عملاً در قرآن سفارش شده است. در معرفی خدا به کودکان نیز زمینه‌ی استفاده از این روش بسیار مهیاست. سوره‌های مختلف قرآن، سیره و روش زندگی پیشوایان دینی، روش بزرگان و دانشمندان و نیز منش انسان‌های بزرگی که با تکیه بر قدرت خداوند توانسته

^۱ . محمد داوودی، سیره تربیتی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و اهل بیت علیهم‌السلام، ج ۲، ص ۴۶-۴۷.

اند کارهای بسیار مهمی در زندگی خود انجام دهند، می‌توانند در خدمت خدانشناسی کودکان قرار گیرند. در اجرای موفق این روش، توجه به چند نکته سودمند است:

- کودکان تا سه سالگی و برخی دوره‌های دیگر، بین واقعیت و افسانه‌های خیالی تفاوتی قائل نیستند. آنان هر داستانی را که درباره‌ی ادیان و انبیا گفته شود، باور خواهند کرد. حتی ممکن است وانمود کنند که خود یکی از شخصیت‌های داستان هستند، زیرا تفکیک واقعیت و آنچه در خیال او می‌گذرد، برای کودک مشکل است. داستان‌های جذاب و شخصیت‌های آن برای کودکان پذیرفتنی‌تر و واقعی‌تر از توصیه‌های اخلاقی و تربیتی مجرد و ذهنی هستند. بنابراین برای آموزش درس‌های بزرگ زندگی به فرزند خود، از داستان استفاده کنید و از هر گونه موعظه و سخنرانی بپرهیزید.
- در طرح داستان‌های دینی باید دقت کرد که از بیان وقایعی که مربوط به عذاب‌های خداوند و سخت‌گیری او بر بندگانش می‌شود، خودداری و بیش‌تر به بازگویی داستان‌هایی پرداخته شود که چهره‌ای صمیمی و مهربان از پروردگار به نمایش می‌گذارند.
- بکوشید از داستان‌های فرهنگ و مذهب خویش بهره بگیرید، مانند داستان حضرت یونس عَلَيْهِ السَّلَام که شامل مفاهیمی همچون ناامید نشدن از رحمت خداوند و توبه کردن پس از آگاه شدن از اشتباه و خطای خود می‌باشد.

۲. بیان علاقه خدا به کودکان

هنگامی که کودک بداند که مورد علاقه خداوند است و هدایای فراوانی از خداوند، مانند پدر و مادر مهربان، دوستان خوب، بدن سالم و بانشاط و خوراکی‌های لذیذ و... به او داده شده است، ارتباط بهتری با او برقرار کرده، زمینه‌ی شناخت بهتر خداوند در او شکل می‌گیرد. ضروری است که این تصور در ذهن کودک استقرار یابد که خدا او را دوست دارد و می‌خواهد فردی شایسته و خوشبخت گردد. او دوست‌داشتنی، مهربان و صمیمی‌تر از پدر و مادر است.

۳. استفاده از نمونه‌های مناسب

تمثیل‌های مناسب به وجود آورید؛ برای نمونه، می‌توانید خوبی را به روشنایی و بدی را به تاریکی تشبیه کنید، زیرا کودکان شب را دوست ندارند. برای کودکان بزرگ‌تر، خدا را به نوری تشبیه کنید که بر همه چیز می‌تابد و آنها را روشن می‌کند و همه جا حضور دارد. تمثیل باعث عینی و ملموس‌تر شدن مفهوم خدا برای فرزندان خواهد شد. معانی و محتوای تمثیل‌ها را مورد تأکید قرار دهید. برای درک مفهوم حضور خدا در همه جا، نور، تمثیلی بسیار غنی است.

۴. طرح خدانشناسی با زبانی شیرین و ساده

اگر می‌خواهید آموزش اعتقادات بنیادین را برای فرزندان جذاب نمایید و نیاز او را تقویت کنید، آنها را با زندگی روزمره‌ی فرزندان پیوند دهید. راه‌های متعددی برای این کار وجود دارد:

- مفاهیم بدیهی و یقینی را در اوایل دوران کودکی فرزندان پایه‌ریزی کنید.
- هیچ‌گاه نظریه‌ای رسمی را برای فرزندان تکرار نکنید، مگر این‌که توانایی درک آن را داشته باشد.

- اگر فرزندان کم‌تر از هشت سال دارد، ساده، مطلق و غیررسمی می‌اندیشد... او ممکن است بتواند فقط کمی فراتر از معنای ظاهری جملات را درک کند. کودکان در این سن به تذکر و تکرار نیاز دارند. همیشه باید به آنان گفت: «خدا به تو کمک می‌کند که اعمال شایسته‌ای انجام دهی».
- اگر فرزندان در سنین نوجوانی قرار دارد، معانی توصیه‌های شما را درک خواهد کرد، زیرا ذهن منطقی او شکل گرفته است.
- اصول اعتقادی را با تجربه‌ی روزمره فرزندان مرتبط کنید. تجربه‌ی روزمره فرزندان را مدخلی برای ورود به بحث درباره‌ی اصول اعتقادی قرار دهید.
- احساسات و عواطف کودکان را باید با استدلال منطقی او همراه کرد. از فرزندان بپرسید وقتی که می‌فهمد خدا کیست، چه انتظاری از او دارد و درباره‌ی خدا چه احساسی به او دست می‌دهد؟
- مثال‌ها و موارد تجربی را به سوی دست‌یابی به اصول اعتقادی هدایت کنید.
- برای آموزش هر اصل، از داستان‌های مختلفی استفاده و با طرح پرسش‌هایی، او را راهنمایی کنید تا اصول مورد نظر داستان‌ها را درک کند؛ برای نمونه، بپرسید که در این داستان‌ها، خدا چه کاری انجام داد و ارتباط خدا و انسان‌ها در این داستان‌ها، چه چیزی را به ما می‌آموزد؟

۵. معرفی الگوهای خداشناسی

مقصود اصلی از خداشناسی، نشان دادن تجلیات خداپرستی در زندگی انسان است. پس باید صحنه‌هایی از زندگی خداپرست واقعی، متناسب با سنین کودکان هر دوره نشان داده شود. فرزندان را با نمونه‌های عالی ایمان محکم و قوی آشنا سازید. چنین نمونه‌هایی را می‌توانید در مؤمنانی که زنده هستند، بیابید. همچنین می‌توانید نمونه‌هایی در داستان‌های پیشینیان و زندگی‌نامه‌ی مؤمنان به دست آورید.

۶. الگو بودن والدین

شما بهترین نمونه و الگو برای فرزندان هستید. کودکان، به ویژه در خردسالی، به شدت، تحت تأثیر رفتارها و باورهای والدین خود قرار دارند و از آنها تقلید می‌کنند. آنچه در این دوران فرامی‌گیرند، تا آخر عمر همراه آنان باقی خواهد ماند. از این‌رو، برای آموزش فرزندان، بهتر است از خودتان آغاز کنید. اعتقاد و ارتباط خود با خدا را مورد بررسی قرار دهید، زیرا هر رابطه‌ای داشته باشید، ناخودآگاه، به فرزندان منتقل خواهد شد. شما می‌توانید الگوی خوبی برای رشد و پرورش ایمان فرزندان باشید، به شرطی که در لحظات تردید و ناامیدی زندگی‌تان، بتوانید با خردمندی، صداقت و تواضع در راه ایمان گام بردارید.

اگر کودکی والدین خود را قابل اعتماد، مهربان و دسترس بداند، احتمالاً خدا را نیز دارای چنین صفاتی تصور خواهد کرد. از سوی دیگر، اگر والدین خود را خشن، بی‌تفاوت و بی‌انصاف بداند، درباره‌ی خدا نیز چنین تصویری خواهد داشت. تأثیر والدین در چگونگی درک فرزندشان از خدا، بیش‌تر از هر عامل دیگر است. روابط تنگاتنگ و روزمره‌ی کودکان با والدین، تأثیر زیادی در درک آنها از خداوند دارد.

شما می‌توانید با روش‌های زیر برای فرزندان الگویی موفق از ایمان باشید:

- **تلاش برای آموختن درباره‌ی خدا:** فرزندان باید ببینند که شما درباره‌ی خدا می‌اندیشید، به مطالعه‌ی کتاب‌هایی در این زمینه علاقه دارید و خدا را عبادت می‌کنید.

• **متواضع بودن در اعتقادات مذهبی:** فرزندان با دیدن سعه‌ی صدر شما در تحمل عقاید دیگران، تعصب نداشتن و نیز یقین داشتن و احترام به نظرات مخالف، به اعتقادات شما علاقه‌مند خواهد شد، زیرا رفتار جذاب شما را مصداق باورهایتان می‌داند.

• **گفت‌وگو با فرزند خود** درباره‌ی مشکلات زندگی در فرصت‌های مناسب و اعتماد عملی به خداوند در حل مشکلات زندگی.

• **الگو بودن در رفتار:** بیان صفات خداوند برای کودکان اگر چه آموزنده است، ولی کافی نیست. رفتار و طرز تلقی شما، تأثیری بیش از گفته‌هایتان بر باور فرزندان دارد.

• **مشارکت دادن فرزندان در کمک به دیگران:** بخشندگی به دیگران و استمداد از دیگران را به فرزندان بیاموزید. انبیا زندگی خود را وقف دیگران نمودند، با وجود این، برای آب، غذا و جلب حمایت، از دیگران کمک می‌طلبیدند

۷. توجه دادن به شگفتی‌های آفرینش

رحمت خدا با دیدن پدیده‌هایی مانند بازگشت پروانه‌ها پس از پروازی طولانی، راه رفتن ضعیف گوساله پس از تولد و زنده ماندن پرندگان در زمستانی سرد هم درک می‌گردد. قدرت خدا در عظمت کهکشان‌ها و پیچیدگی حیات دیده می‌شود. محبت و زیبایی خدا در رنگ‌های طبیعت و مناظر طبیعی جلوه‌گر است. همچنین لطیف بودن خداوند و توجه او به کوچک‌ترین جزئیات را می‌توان در آفرینش انسان مشاهده کرد. آمدن برف و باران، با شکفتن گل‌ها، دیدن نوزاد حیوانات و هر جلوه و زیبایی که در طبیعت به چشم می‌خورد، باید یاد خدا را در خاطر فرزندان زنده نمود.

با روش‌های زیر ارتباط فرزندان را با طبیعت افزایش دهید:

- با فرزندان پیاده‌روی کنید و توجه به طبیعت را به فرزندان بیاموزید.
- با فرزند خود به پارک‌ها و دشت و صحرا بروید.
- از تماشای آسمان و طلوع و غروب آفتاب لذت ببرید.
- از باغ وحش و آکواریوم دیدن کنید.
- به کوهنوردی و ماهی‌گیری بروید و در حیاط منزل خودتان باغبانی کنید.
- گاهی اوقات، با فرزند خود در مکانی آرام نشسته، محو تماشای طبیعت شوید.
- رنگ‌های گوناگون طبیعت مانند قرمز، زرد، آبی، نارنجی و طیف متنوع رنگ سبز را جست‌وجو و به تنوعشان، توجه کنید.
- به صداهای متنوع گوش بسپارید؛ صدای پرندگان، به هم خوردن برگ درختان و حرکت آب و
- به تماشای محل زندگی موجودات مختلف بروید؛ آشیانه‌ی پرندگان، کندوی زنبورها، لانه‌ی مورچه‌ها، محل زندگی ماهیان و
- مجموعه‌ای از دانه‌های گیاهی، برگ درختان، پر پرندگان و انواع صدف یا ماهیان تهیه کنید.
- برای آشنا شدن با انواع پرندگان و گل‌ها، از کتاب‌های راهنما بهره ببرید.
- انواع پرندگانی را که می‌توانید ببینید، مورد توجه قرار دهید و نام هر یک را یادداشت کنید.

- از مناظر طبیعی عکس بگیرید یا آنها را نقاشی کنید.
- با استفاده از ذره‌بین، میکروسکوپ یا تلسکوپ، به مطالعه جزئی‌تر طبیعت بپردازید.
- بین خدا و طبیعت ارتباط برقرار سازید.
- به کودک توضیح بدهید که خدا، تنوع موجودات را دوست دارد. خدا طراح بزرگی است. خدا قدرتی بی‌اندازه دارد. خدا به کوچک‌ترین ذرات نیز اهمیت می‌دهد و بزرگ است.
- از فرزندتان بپرسید که هنگام دیدن غروب آفتاب، جنگل، آبشار و پرندگان، چه تصویری از خدا در ذهن می‌پروراند.
- آیاتی از قرآن بخوانید که در زمان و شرایط شما مصداق داشته باشد؛ برای نمونه، وقتی از دیدن ستارگان در حیرت فرو می‌روید، به آیاتی مراجعه کنید که درباره‌ی خلقت آسمان‌ها و زمین توضیح می‌دهند.
- حتی دیدن فیلمی از شگفتی‌های آفرینش، فرصتی برای گفت‌وگو درباره‌ی خدا و قدرت اوست.

۸. ترغیب به یادگیری درباره خدا با پرسش

آموزش، همیشه با نصیحت یا توصیه امکان‌پذیر نیست، بلکه گاهی با طرح پرسش‌های گوناگون و فرصت دادن به کودک برای یافتن پاسخ آنها ممکن می‌شود. مؤثرترین و تحول‌آفرین‌ترین روش آموزش این است که ذهن یادگیرنده را بر تفکر، تجربه، پرسش و کشف متمرکز کنیم و نقشی کمکی برای خود قائل باشیم. با اعتقاد به این روش، پرسش‌های کودکان برای ما ارزش می‌یابند و به آنها اهمیت خواهیم داد. خود نیز با طرح پرسش‌های آموزنده، به فرزندانمان آموزش می‌دهیم.

اصول اساسی در پرسیدن عبارت‌اند از:

- از زیاده‌روی در طرح این پرسش‌ها بپرهیزید تا فرزندتان خسته نشود.
- پرسش‌ها را جدی طرح کنید و به فرزندتان وقت کافی بدهید تا درباره‌ی آنها بیاندیشد و سنجیده پاسخ دهد.
- پرسشی که با تمام وجود پرسیده شود، شنونده را به تفکر وا می‌دارد.
- سؤالات را با متانت طرح کنید، گویی در حال طرح پرسش برای خودتان هستید، زیرا خود نیز در حال یادگیری هستید.
- انتظار نداشته باشید فرزندتان طبق انتظار شما پاسخ دهند، زیرا هر کس درک خاصی از پرسش دارد و عقاید خود را به نحو ویژه‌ای ابراز می‌کند.
- پرسش‌ها را به گونه‌ای مطرح کنید که فرزندتان با زبان و درک خودش به آنها پاسخ دهد. از او انتظار ارائه پاسخ‌های آماده و کلیشه‌ای نداشته باشید.
- به پاسخ فرزندتان با دقت و توجه فراوان گوش دهید و در برابر نظر او جبهه‌گیری نکنید تا اعتماد و درک متقابل بین شما ایجاد شود.
- پرسش‌هایی طرح کنید که متناسب با سن و درک و موقعیت فرزندتان باشد.
- مهم‌ترین نکته در پرسیدن این است که هدف از طرح آنها، ارائه پاسخ‌های آماده به فرزندتان نیست، بلکه وادار کردن وی به درنگ و تفکر و در نتیجه، رشد ایمان و ادراک می‌باشد.

۹. آموزش تفکر به فرزندان

برای فرزندان شرایطی فراهم آورید که عادت تفکر در سکوت و تنهایی در وی پرورش یابد. پیشنهادهای زیر به شما کمک می‌کند تا شرایطی برای آموزش تفکر در آرامش و تنهایی به فرزندان فراهم آورید:

- زمان و مکان ثابتی برای تفکر در خلوت و آرامش تعیین کنید. اوقات نماز، زمان منظم و مناسبی برای خلوت کردن با خود و خداست.
- تفکر در تنهایی را به فعالیتی خانوادگی تبدیل کنید.
- روش تفکر در تنهایی، باید متناسب با سن و علایق فرزندان باشد.
- شاید بهترین روش برای بچه‌های چهار تا پنج ساله این است که آنها را با اسباب‌بازی‌هایشان تنها بگذارید تا با آنها ارتباط برقرار کنند. می‌توانید داستانی برای آنها تعریف کنید، کتابی را برای نقاشی کردن در اختیارشان قرار دهید یا او را با نوار قصه‌ی مناسبی تنها بگذارید تا به آن گوش کند.
- وقتی که فرزندان قادر به نوشتن شد، حتی اگر انشای خوبی ندارد یا کلمات را اشتباه می‌نویسد، یکی از مفیدترین کارها این است که از او بخواهید تا درباره‌ی کارهای روزانه‌اش یادداشتی تهیه و دفتر خاطراتی برای خود درست کند.

به او توضیح دهید که در دفتر خاطرات باید داستان خودش را بنویسد. او می‌تواند احساساتش را درباره‌ی رویدادهای زندگی‌اش و چیزهایی که به نظر او مهم است و ارزش به یاد ماندن دارند، در این دفتر بنویسد. بچه‌های بزرگ‌تر را تشویق کنید که از خلاصه‌نویسی بپرهیزند و جزئیات بیشتری در یادداشت‌ها توضیح دهند. از آنان بخواهید که در نوشته‌هایشان صادق بوده و مطمئن باشند که بدون اجازه‌ی آنها هرگز نوشته‌هایشان را نخواهید خواند. به این قول خود، حتی در غیاب فرزندان وفادار باشید.

- افزون بر تشویق فرزندان به تهیه‌ی یادداشت روزانه، کتاب‌هایی در اختیار او قرار دهید تا مطالعه کند و سائلی تهیه نمایند تا به کارهای هنری بپردازد.

۱۰. داشتن عبادت خانوادگی

از توصیه‌های مهم اسلام، اهتمام به عبادت^۲ و سفارش اعضای خانواده به آن است. در مرحله‌ی نخست، فرد باید خود به رفتارهای عبادی اهتمام ورزد تا الگویی مناسب برای اعضای دیگر باشد. در متون دینی آمده است که فرزندان خود را در هفت سالگی به نماز سفارش کنید.^۳ سفارش می‌تواند به شیوه‌های گوناگونی اجرا شود که برخی از آنها مانند روش الگوگیری تأثیرگذارتر خواهد بود.^۴ لذا برای معنوی‌سازی زندگی روزمره‌ی خود، اوقات ثابتی را به عبادت خانوادگی اختصاص دهید. به‌وسیله‌ی عبادت دسته‌جمعی می‌توانید فرزندان را با درک خود از خدا آشنا ساخته، او را در ارزش‌ها، امیدها و ناامیدی‌ها، پرسش‌ها و پاسخ‌ها و توانایی‌های معنوی خود مشارکت دهید. در این اوقات، می‌توانید منابعی را که به شما قدرت می‌دهند و تکیه‌گاه‌های معنوی خود را به او نشان دهید. می‌توانید در خانواده نماز جماعت بخوانید. اگر برپایی نماز جماعت روزانه در منزل ممکن نیست، دست کم می‌توانید در اوقاتی

^۲ . بقره/۲۳۸ و نساء/۱۰۳

^۳ . کلینی، اصول کافی، ج ۳، ص ۴۰۹.

^۴ . نهج‌البلاغه، حکمت ۷۳.

مانند سر سفره‌ی غذا، به شکرگزاری دسته‌جمعی بپردازید. شما می‌توانید مراسم و سالگردهایی را که به مناسبت های مختلف برگزار می‌کنید، به ایامی برای تفکر و اندیشیدن تبدیل سازید. عبادت یا فعالیت معنوی دسته‌جمعی اعضای خانواده، تأثیر پایداری در رشد معنوی کودکان دارد. این کارها سبب می‌شوند محیط خانه به مکانی معنوی و مقدس تبدیل شود.

منابع:

داوودی، محمد، سیره‌ی تربیتی پیامبر ﷺ و اهل بیت علیهم‌السلام، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چ ۲، ج ۲، ۱۳۸۴ ش.
سالاری‌فر، محمد رضا، خانواده در نگرش اسلام و روان‌شناسی، تهران، سمت، چ ۱، ۱۳۸۵ ش.
شرفی، محمدرضا، با فرزند خود چگونه رفتار کنیم؟ تهران، نشر جهاد، چ ۶، ۱۳۷۶ ش.
یاب، ایریس، کلیدهای آموختن به کودکان درباره‌ی خدا، مترجم: دکتر حاجی‌زاده، مسعود، تهران، کتاب‌های دانه از مؤسسه انتشارات صابرین، چ ۳، ۱۳۸۱ ش.